

درآمدی بر چالش‌ها و رهیافت‌های ترجمه «کاد» منفی در قرآن کریم

علی اسودی*

فاطمه خلجی**

خدیجه احمدی بیغش***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

چکیده

ترجمه قرآن کریم همیشه دستخوش چالش‌ها و انتقادهای متعددی بوده و ترجمه ساختارها و ادوات نحوی از مهم‌ترین مصادیق این مقوله به شمار می‌رود. یکی از این مصادیق ترجمه «کاد»ی منفی است. بررسی میدانی معنای «کاد» منفی در بعضی ترجمه‌های فارسی قرآن، حکایت از ابهام به وجود آمده ناشی از رویکرد مترجم است که آیا حرف نفی، مختص فعل «کاد» بوده، یا فعل پس از «کاد» (خبر کاد) را نیز منفی می‌کند؛ و یا اصولاً «کاد» به شکل منفی، چه مفهومی را القاء می‌کند. نقد و ارزیابی آسیب‌شناسی بعضی ترجمه‌های موجود در این زمینه و بررسی توصیفی-تحلیلی آرای بعضی مفسران و نحویون، مشخص می‌دارد آیاتی که دارای «کاد»ی منفی است به دو دسته آیات تمثیلی و غیر تمثیلی تقسیم می‌شوند. در آیات تمثیلی نفی «کاد» در راستای نفی مقاربه برای مبالغه عدم رخداد فعل؛ و در آیات غیر تمثیلی حرف نفی وارد بر «کاد» مختص فعل پس از «کاد» (خبر کاد) می‌باشد که موجب اثبات رخداد فعل پس از نوعی رنج، سختی و اکراه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، «کاد»ی منفی، ترجمه، آسیب‌شناسی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسؤل). Asvadi@khu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون قرائت قرآن تهران. Khalaji.fatemeh1344.yahoo.com

*** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزشی علوم اسلامی کوثر. Kh.ahmadi3103@yahoo.com

مقدمه

طبرسی، زمخشری، ابن عاشور، آلوسی، شیخ طوسی و مغنیه، ترجمه پیشنهادی نیز عنوان می‌شود.

پیشینه تحقیق

طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده تاکنون چهار مقاله درباره فعل کاد/ یکاد به چاپ رسیده است. در مقاله: تحلیل کاربردهای فعل «کاد» در قرآن کریم با نگاهی به آرای مفسران (مطالعه موردپژوهانه عبارت «أَكَادُ أَخْفِيهَا») نوشته علی سلیمی، شهریار همتی، محمد نبی احمدی، در آن تنها به کاربرد کاد در عبارت «أَكَادُ أَخْفِيهَا» پرداخته شده است. در مقاله «درنگی در ترجمه فعل‌های «کاد/ یکاد»، «لایکاد» و «لم یکد» در ترجمه‌های قرآن» نوشته جواد آسه که تنها به بررسی ترجمه این عبارات (نه علت آن) پرداخته شده است. در مقاله «بررسی تطبیقی فعل مقاربه «کاد/یکاد» براساس دیدگاه زبان‌شناسی» نوشته محمدرضا شیرخانی و ناصر چعباوی که در آن به بررسی این فعل پرداخته شده نه بررسی ترجمه آنها. در مقاله «معنای فعل کاد در قرآن» نوشته دکتر سید بابک فرزانه نیز، به تبیین فعل کاد می‌پردازد و تفاوت دقیق کاد منفی با سایر وجوه آن پرداخته نشده است. بنا بر آنچه بیان شد تحقیقی که به‌طور خاص و با رویکرد این مقاله با معنی خاص کاد منفی، پرداخته شده باشد، در حال حاضر موجود نیست، از همین رو، این تحقیق درصدد بیان آن خواهد بود.

مبانی نظری تحقیق

کاد فعل ناقص از افعال مقاربه (کاد، کرب، أوشک) است که بر قرب (نزدیکی) واقع شدن خبر دلالت و

قرآن کریم کتاب هدایت و سعادت بشر است که باید پیامش به همه جهانیان برسد. ظرافت‌های زبانی خاص موجود در این کتاب، موجب گردید که انسان را دعوت به تدبیر و تعقل نماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (یوسف/۲)؛ از این رو ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف از جمله زبان فارسی، امری لازم و ضروری به شمار می‌رود. ترجمه افعال مقاربه، یکی از مواردی است که در میان ترجمه‌های فارسی، دارای اشکالات شده که فهم صحیح آن را با توجه به مراد خداوند دچار اختلال کرده است. این مقاله درصدد است بررسی فعل «کاد» به شکل منفی که از این افعال است را مورد مذاقه و تحقیق قرار دهد تا با توجه به نظرات مختلفی که وجود دارد، مشخص گردد، در صورتی که ادات نفی بر «کاد» وارد شوند، آیا فعل «کاد» منفی می‌شود یا فعل پس‌از آن را باید منفی تلقی کرد و معنای هر یک از آنها به چه صورت خواهد بود. از این رو، سؤالات این تحقیق عبارت‌اند از: «کاد» به شکل منفی، چه مفهومی را القاء می‌کرده و آیا فعل «کاد» را منفی می‌کند یا فعل بعد از آن (خبر) را. اگر ادات نفی وارد بر «کاد» مختص فعل بعد (خبر کاد) باشد چه مفهومی را القاء می‌کند. به‌منظور پاسخ به این سؤالات ابتدا معنای «کاد» و «کاد» به شکل منفی را از دیدگاه نحوی و تفسیری بیان، سپس به‌عنوان نمونه ترجمه شش آیه از قرآن کریم که این فعل در آنها بکار رفته، در سه ترجمه تحت‌اللفظی، بروجردی، شعرانی، معزی و چهار ترجمه تفسیری، الهی قمشه‌ای، صفار زاده، صفوی، مجتوبی و سه ترجمه وفادار، آیتی، خرماشاهی و فولادوند مورد تحلیل قرار گرفته و با بررسی آراء مفسرانی چون علامه طباطبایی،

دیدگاه دوم

«کاد» ی منفی دو رویکرد دارد:

۱. کاد به شکل منفی برای مبالغه در نفی قرب است، مثلاً آیه ﴿يَتَجَرَّعُهُ وَ لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ﴾ (ابراهیم/۱۷) یعنی به هیچ‌عنوان نزدیک نیست که آب چرکین را راحت ببلعد پس چگونه می‌باشد این بلعیدن؟ (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۴۶/۲).

۲. شکل منفی «کاد» برای قرب به همراه فرا نرسیدن زمان رخداد است؛ مانند آیه: ﴿فَذَبْحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ (بقره/۷۱) یعنی بی بردن به کنه ذبح گاو برای بنی اسرائیل سنگین بود و بیشتر توضیح می‌خواستند در نتیجه کند رفتار کرده و انجام ذبح به تأخیر افتاد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۵۲/۱).

دیدگاه سوم

«کاد» ی منفی به این معناست که فعل بعد از رنج و سختی بسیار، رخ می‌دهد؛ یعنی رخ دادن را امری سخت دانسته و در عین حال آن را اثبات می‌کند (سامرای، ۱۴۲۸: ۲۵۰/۱).

حال این سؤال مطرح است آیا ادات نفی که بر سر «کاد» وارد می‌شوند، «کاد» (قرب وقوع) را منفی می‌کنند، یا فعل پس‌از آن را؟ طبق نظریه سامرای ادات نفی، در اصل فعل دوم (خبر کاد) را منفی می‌کند و «کاد» خود مثبت است (سامرای، ۱۴۲۸: ۲۶۰/۱). همان‌طور که ابن‌یعیش مطرح کرده است. ابن‌یعیش معتقد است «کاد» برای افاده معنای قرب در خبر وارد جمله می‌شود، همان‌طور که «کان» برای افاده زمان برای خبر است. زمانی که ادات نفی بر سر «کاد» وارد می‌شود، جز این نیست که این نفی برای خبر است که

بر مبتدا و خبر وارد می‌شود، مبتدا را اسم خود مرفوع، خبر را منصوب می‌کند. این خبر، فعل مضارع و اغلب بدون «أن» ناصبه است و گاهی با «أن» ناصبه می‌آید. (بدیع یعقوب، ۱۹۸۸: ۵۳۸)؛ مانند این حدیث از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که می‌فرماید: ﴿كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا وَ كَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَغْلِبَ الْقَدْرَ﴾. کاد/ یکادُ به معنای قُرْبَ يَقْرُبُ است. «کاد» برای معنی قُرْبَ رخداد فعلی که نزدیک به رخداد شد، اما رخ نداده (قُرْبَ همراه عدم رخداد)، استفاده می‌شود. خبر «کاد» فعل مضارع و غالباً بدون «أن» ناصبه می‌باشد؛ زیرا نزدیک است رخ دهد و نیاز به تراخی (فاصله زمانی) ندارد؛ مانند آیه ﴿يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ﴾ (نور/۴۳) (سامرای، ۱۴۲۸: ۲۵۰/۱). خبر کاد در قرآن بدون «أن» ناصبه به همراه «کاد» آمده است. فعل «کاد» به شکل مثبت و منفی به کار می‌رود. درخصوص معنای «کاد» ی منفی در نحو، چندین دیدگاه وجود دارد که مهم‌ترین اینها به شرح ذیل است:

دیدگاه نخست

«کاد» ی منفی به معنای نفی رخداد فعل است؛ یعنی اگر ادات نفی بر سر فعل «کاد» وارد شوند فقط مقاربه را نفی و از نفی مقاربه، نفی مضمون حاصل می‌گردد (مدنی، ۱۳۸۴: ۲۲۴/۶؛ سامرای، ۱۴۲۸: ۲۵۲/۱). درواقع کاد را به معنای قرب دانسته و این قرب، است که نفی می‌شود، یعنی نفی مختص فعل «کاد» است و «ما کاد يفعل» یعنی نزدیک نبود انجام دهد، پس انجام نداد؛ به‌عنوان مثال «مَا كَادَ يَذْهَبُ» طبق این دیدگاه یعنی نرفت.

اثبات خبر می‌شود؛ مانند آیه ﴿فَذَبْحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ (بقره/۷۱) حرف نفی «ما» مختص فعل «يَفْعَلُونَ» است؛ «وَ كَادُوا مَا يَفْعَلُونَ» به معنای نزدیک بود انجام ندهند، است اما بعد از رنج و سختی، علی‌رغم میل انجام دادند.

دیدگاه نقادانه سامرای بر مفهوم سنتی متعارف میان مفسرین و علمای نحو

نظریه «نفی مقاربه نفی مضمون خبر است» یعنی وقتی نزدیک بود که انجام ندهد، پس اصلاً انجام نداده است. سامرای این دیدگاه را رد و نظر ابن‌عیش را ارجح می‌داند و با توجه به آیه ﴿أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَ لَا يَكَادُ يُبِينُ﴾ (زخرف/۵۲)، از رأی ابن‌عیش تبعیت کرده و اظهار می‌دارد: اگر ما طبق نظریه «نفی مقاربه نفی مضمون خبر است» معتقد باشیم، آیه «لا يَكَادُ يُبِينُ» این‌طور معنا می‌شود: حضرت موسی گنگ بوده و حتی نزدیک به صحبت کردن نیز نبوده است. در صورتی که شکی نیست موسی می‌توانست صحبت کند چون در غیر این صورت چطور با فرعون، همان‌طور که قرآن یادآوری کرده این‌همه محاجه داشته است؟ همچنین معنای «لا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا» در آیه ﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَ جَدَّ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا﴾ (کهف/۹۳)؛ نیز ما طبق نظریه «نفی مقاربه نفی مضمون خبر است» چنین می‌شود: قومی که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند و حتی نزدیک به فهمیدن نیز نبودند. در صورتی که آیاتی به دنبال این آیه آمده که می‌فرماید: ﴿قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ

درواقع موجب اثبات خبر می‌شود به‌عنوان مثال آنجا که خداوند می‌فرماید: ﴿إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا﴾ (نور/۴۰) فعل، بعد از «كاد» رخ می‌دهد، نزدیک بود دستش را نبیند، یعنی آن را می‌بیند. ابن‌عیش معتقد است وقتی کاد مثبت است فعل بعد آن (خبر) رخ نمی‌دهد و اگر کاد به همراه حرف نفی بیاید فعل بعد از آن یعنی خبر اتفاق می‌افتد. همین‌طور در آیه ﴿فَذَبْحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ (بقره/۷۱)؛ قطعاً و بدون شک ذبح را انجام دادند (سامرای، ۱۴۲۸: ۲۵۴/۱). در مورد دیدگاه اول به نظر می‌رسد که جزئی‌نگر و استقرائی است؛ زیرا در قرآن موارد مورد استفاده «كاد»ی منفی، به دو دسته قابل تقسیم‌اند:

۱. موارد موقعیت تمثیل؛ مانند ﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (نور/۴۰)

۲. موارد مصداق حدوث واقعی در عالم خارج؛ مانند ﴿قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَ لَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَا شَيْءَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ (بقره/۷۱)

در مواردی که «كاد»ی منفی برای تمثیل باشد، طبق نظر زمخشری رویکرد مبالغه در آن وجود دارد. این نظر قابل‌پذیرش‌تر است؛ زیرا «كاد»ی منفی برای مبالغه در نفی قرب در نظر گرفته شده است. در مواردی هم که «كاد»ی منفی برای غیر تمثیل (رخداد واقعی در عالم خارج) به کار رفته، نظر سامرای نسبت به سایر نظرات در خصوص دلالت معنایی معنای کاد منفی، صحیح‌تر و دقیق‌تر است. ابن‌عیش نیز قائل است نفی، مختص فعل پس از «كاد» (خبر کاد) است که موجب

چگونه می‌باشد این بلعیدن؟ (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۴۶/۲). مفسران دیگر نیز شکل منفی «کاد» را برای نفی قرب به خاطر شدت تنفر و ناراحتی از نوشیدن آن دانسته و این‌گونه ترجمه کردند که نزدیک بلعیدن نمی‌رسد، چه برسد به آسان و راحت بلعیدن (گوارا بودن) با این حال علی‌رغم میل، جرعه به جرعه، کم‌کم به اجبار می‌بلعد و عذابش طولانی می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷۴/۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۹۱/۷؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۴۰/۱۲). در آیاتی که در راستای تمثیل به کار برده شده‌اند دیدگاه زمخشری، توجیه و تناسب معنایی دارد و در این آیه مبالغه در سخت بلعیدن است. همچنین در این آیه منافاتی در نظریه مفسران وجود نداشته و نتیجه آنکه بلعیدن به سختی انجام می‌شود و این با دیدگاه سامرایی نیز منافاتی ندارد. همان‌طور که آیه ۷۱ سوره بقره، علی‌رغم میلشان گاو را کشتند. در این آیه نیز علی‌رغم میلشان باید بنوشند: «لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ» می‌خواهد بگوید که این نوشیدن عذاب‌آور این‌طور نیست که بتوان به آن عادت کرد تا عذابش کمتر حس شود. آن‌گونه که در دنیا این نوشیدن (حتی امور بسیار دشوار) بر اثر تکرار و گذشت زمان، عادی و قابل تحمل می‌شود.

ترجمه پیشنهادی: به سختی آن را جرعه‌جرعه می‌آشامد و حتی نزدیک بلعیدن نیست (رهایی از این سختی ندارد، چه رسد به آسان و راحت بلعیدن آن!).

لَكَ خَرَجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا. قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿كهف/۹۴-۹۵﴾ نشان‌دهنده محاوره بین آنهاست.

سامرایی بیان می‌کند این محاوره نشان می‌دهد که «لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا» به این معناست که آنها هرچند سخت ولیکن می‌فهمند. در غیراین‌صورت این محاوره یک کار بیهوده و بی‌حکمت بوده است. دلیل دیگر سامرایی طبق نظریه ابن‌یعیش آیه «فَذَبْحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ» (بقره/۷۱) است. حرف نفی «ما» بر سر فعل یفعلون می‌آید و آن را منفی می‌کند. ولی اثبات مضمون نشان می‌دهد ذبح را با تأخیر انجام دادند. سامرایی در ادامه بیان می‌کند که جمع دو نظر در دو آیه «إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا» (نور/۴۰) و آیه «يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ» (ابراهیم/۱۷) امکان‌پذیر است (سامرایی، ۱۴۲۸: ۲۶۸/۱-۲۵۴).

بررسی کاد منفی در ترجمه آیات در مقام تمثیل

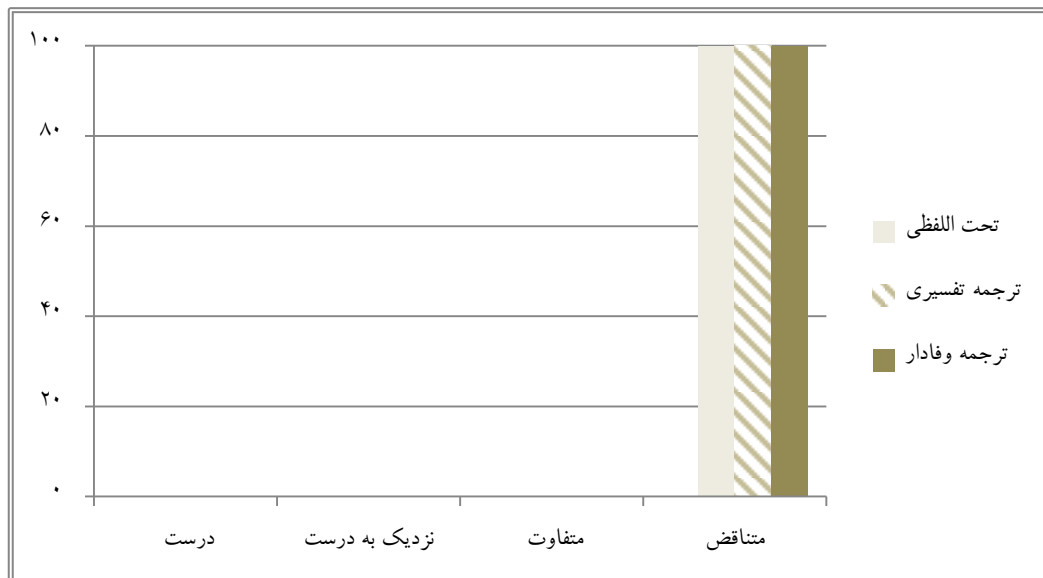
۱. «يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ» (ابراهیم/۱۷)

در بیان تفسیر این آیه، برخی مفسرین به معنای «کاد» منفی اشاره مستقیمی نداشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۶/۱۲؛ مغنیه، ۱۴۲۵: ۳۳۲). زمخشری معتقد است شکل منفی «کاد» برای مبالغه در نفی قرب است و آیه «يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ» یعنی به‌هیچ‌عنوان نزدیک نیست که راحت ببلعد پس

جدول ۱. بررسی ترجمه‌های آیه (يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يَسِيغُهُ...) (ابراهیم/۱۷)

ترجمه	مترجم	
پیوسته آن آب‌های آلوده را بنوشد ولی رفع عطش نکنند.	بروجردی	۱
جرعه جرعه می‌آشامد آن را و نزدیک نباشد که فرو بردش به آسانی.	شعرانی	۲
جرعه جرعه نوشدش و نیارد فروبردش. (گوارا شودش)	معزی	۳
که آن آب پلید را جرعه جرعه می‌آشامد و هیچ گوارای او نشود.	قمشه‌ای	۴
شخص جهنمی، جرعه جرعه آن آب گندیده را می‌نوشد ولی نمی‌تواند آن را یکباره قورت بدهد.	صفارزاده	۵
آن را جرعه جرعه می‌نوشد و می‌رود که نتواند آن را فروبرد.	صفوی	۶
آن را جرعه جرعه می‌آشامد و او را فروبردن آن آسان و گوارا نیست.	مجتبوی	۷
جرعه جرعه آن را می‌نوشد و هیچ گوارای او نیست.	آیتی	۸
آن را جرعه جرعه بنوشد و نتواند فرو برد.	خرمشاهی	۹
آن را جرعه جرعه می‌نوشد و نمی‌تواند آن را فرو برد.	فولادوند	۱۰

با توجه به دیدگاه زمخشری در مورد «کاد»ی منفی در آیات تمثیلی که دیدگاهی صحیح به نظر می‌رسد، اکثریت مترجمان ترجمه درستی ارائه نداده‌اند.



نمودار ۱. نتیجه ترجمه آیه (يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يَسِيغُهُ...) (ابراهیم/۱۷)

۲۳۰/۷). علامه طباطبایی و صاحب تفسیر المبین نیز اشاره مستقیمی به کادی منفی نکرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۳۳/۱۵؛ مغنیه، ۱۴۲۵: ۴۶۴) و اما ابن‌عاشور فعل پس از کاد (خبر کاد) را منفی کرده و معتقد است این آیه همانند آیه ۷۱ سوره بقره می‌باشد و در واقع مضمون آیه مثبت است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۰۵/۱۸). با توجه به اینکه این آیه نیز در راستای تمثیل است اکثر مفسرین به‌غیر از ابن‌عاشور نزدیک به دیدگاه زمخشری که توجیه و تناسب معنایی به علت وجود مبالغه دارد، عمل کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: هر زمان که دست خود را خارج کند حتی نزدیک به دیدن آن نیز نمی‌شود (چه برسد به دیدن آن).

۲. ﴿أَوْ كَظُّلْمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُّلْمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (نور/ ۴۰)

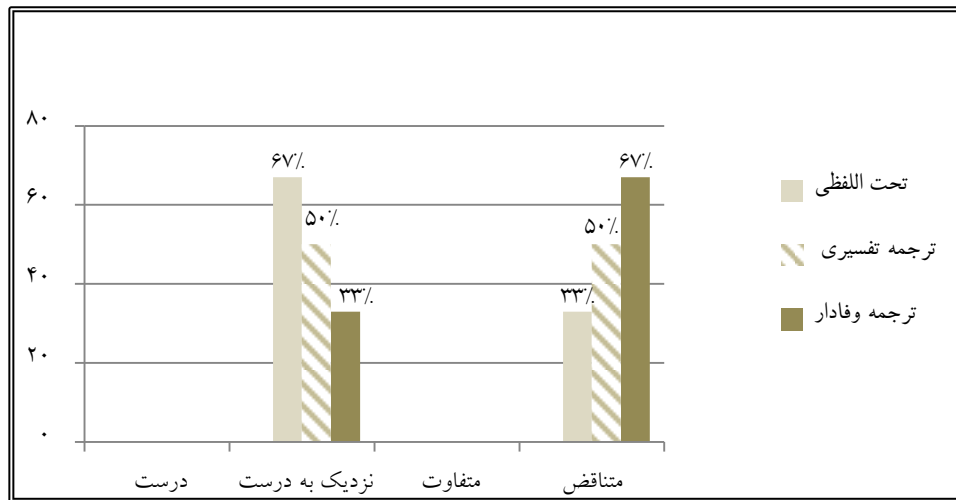
برخی مفسران، فعل «کاد» به شکل منفی را، برای نفی مقاربه دانسته تا مبالغه در ندیدن را به دلیل شدت ظلمت نشان دهند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۷۵/۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۴۴/۳) و این‌گونه ترجمه کرده‌اند که نزدیک نبود دیدن دست، چه برسد به دیدن آن، با اینکه آن نزدیک‌ترین شیء به او بود. شیخ طوسی نیز با نفی مقاربه، نفی مضمون کرده است (طوسی، ۱۴۰۹، ۴۴۳/۷). طبرسی نیز همراه بودن تاریکی زیاد را، قرینه‌ای بر عدم رؤیت می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲:

جدول ۲. بررسی ترجمه‌های آیه (إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا) (نور/ ۴۰)

مترجم	ترجمه
۱	بروجردی به حدی که چون دست‌های خود را برآورند دیده نشود.
۲	شعرانی چون بیرون آرد دستش را نزدیک نیست که ببیندش.
۳	معزی گاهی که برون آرد دستش را نیارد که ببیندش.
۴	قمشه‌ای که چون دست بیرون آرد آن را نتواند دید.
۵	صفار زاده آن قدر تاریک که اگر شخص دست خود را از آب خارج کند نمی‌تواند آن را ببیند.
۶	صفوی وقتی دست خود را بیرون می‌آورد، نزدیک است که آن را از شدت تاریکی نبیند.
۷	مجتبوی گاهی که دست خویش بیرون آرد نتواند که ببیندش.
۸	آیتی آن‌سان که اگر دست خود بیرون آرد آن را نتواند دید.
۹	خرمشاهی چون دستش را برآورد، چه بسا نبیندش.
۱۰	فولادوند هرگاه [غرقه] دستش را بیرون آورد، به زحمت آن را می‌بیند.

منفی، به علت تمثیلی بودن آیه مربوطه ارائه نداده‌اند.

با بررسی ترجمه‌های تعیین‌شده به نظر می‌رسد اکثریت مترجمان ترجمه دقیقی از «کاد» ی



نمودار ۲. نتیجه ترجمه آیه (إِذَا أُخْرِجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا) (نور/۴۰)

انجام ذبح به تأخیر افتاد. درواقع با رویکرد دوم خود: قرب، به همراه فرا نرسیدن زمان رخداد را بیان داشته است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۱۵۲). آلوسی نیز بیان می‌دارد «ما کادوا» نفی یفعلون نیست، چون در این صورت قول خداوند نقض می‌شود، زیرا خداوند فرموده: «فَدَبَّحُوهَا» و حق این است که اثبات و نفی «کاد» همانند افعال دیگر باشد. درواقع «کاد»ی مثبت یعنی اثبات قرب و «کاد»ی منفی یعنی نفی قرب است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱/۲۹۲). اما برخی از مفسران حرف نفی را مختص فعل بعد از «کاد» دانسته و مضمون جمله را مثبت کرده‌اند (طبرسی ۱۳۷۲: ۱/۲۷۶؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۱/۳۰۱). به نظر می‌رسد هرچند برخی مفسران اشاره مستقیم به معنای «کاد»ی منفی نکرده‌اند، ولی نتیجه کلی همانند نتیجه رویکرد سامرای، عالم نحوی می‌باشد که سرانجام ذبح گاو انجام شد (سامرای، ۱۴۲۸: ۱/۲۵۲).

ترجمه پیشنهادی: پس گاو را سر بریدند و نزدیک بود که این کار را انجام ندهند (بعد از رنج و سختی علی‌رغم میلشان گاو را ذبح کردند).

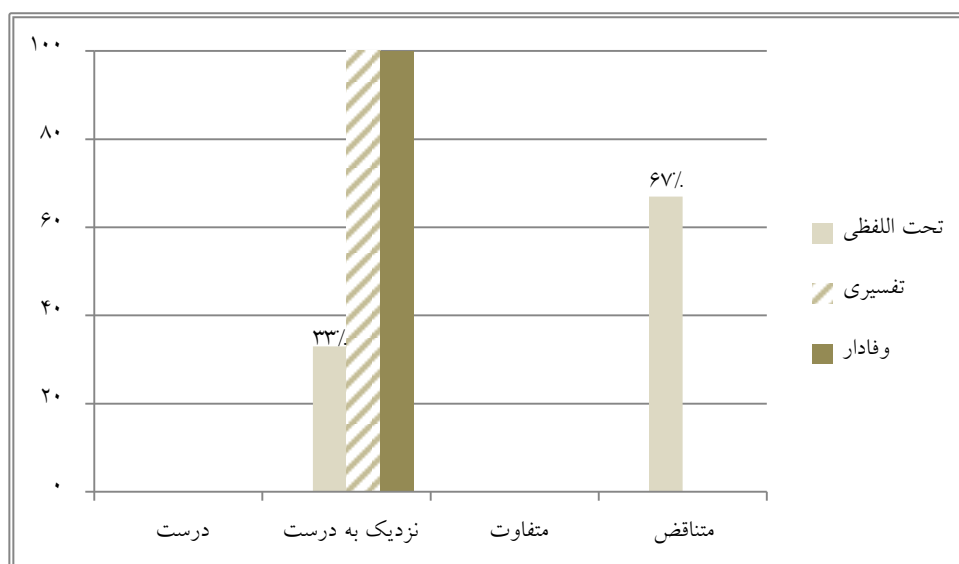
بررسی کاد منفی در ترجمه آیات در مقام غیر تمثیل
 ۱. «قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرثَ مُسَلِّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَدَبَّحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ» (بقره/۷۱)

برخی از مفسران اشاره مستقیمی به معنای «کاد»ی منفی نداشته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۵: ۱۴). علامه طباطبایی هرچند اشاره مستقیمی به کادی منفی نکرده، اما مفهوم را استنباط و با این نگرش بیان می‌دارد که بنی‌اسرائیل به سخن موسی علیه‌السلام ایمان نداشتند و نمی‌خواستند باور کنند. به همین دلیل توضیح خواسته و در آخر گاو را کشتند. درواقع ایشان معتقد است «کاد» در صورت مثبت بودن، منفی و در صورت منفی بودن، افاده مثبت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱/۲۰۲). ابن‌عاشور نیز معتقد است آیه: «ما کادوا یفعلون» درواقع کنایه است به بنی‌اسرائیل در رفتار بدشان در دریافت احکام (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱/۵۳۹). زمخشری نیز معتقد است پی بردن به کنه ذبح گاو برای بنی‌اسرائیل سنگین بوده و بیشتر توضیح می‌خواستند. در نتیجه کُند رفتار کرده و

جدول ۳. بررسی ترجمه‌های (فَدَبَّحُوها وَ ما كادُوا يَفْعَلُونَ) (بقره/۷۱)

ترجمه	مترجم	
گاوی به آن اوصاف کشتند لکن نزدیک بود در این کار هم نافرمانی کنند.	بروجردی	۱
پس کشتند آن را و نبودند نزدیک که بکنند آن را.	شعرانی	۲
پس سر بریدندش و نزدیک نبودند آن را کنندگان.	معزی	۳
و گاوی بدان اوصاف کشتند، لیکن نزدیک بود باز نافرمانی کنند.	قمشه‌ای	۴
پس گاوی با آن مشخصات ذبح کردند درحالی‌که هر آن نزدیک بود که منصرف شوند.	صفار زاده	۵
پس آن را سر بریدند و نزدیک بود این کار را نکنند.	صفوی	۶
پس آن (گاو) را سر بریدند و نزدیک بود که چنین نکنند - به سبب گرانی بهای آن.	مجتبوی	۷
پس آن را کشتند، هر چند که نزدیک بود که از آن کار سر باز زنند.	آیتی	۸
سپس آن را کشتند و نزدیک بود که این کار را نکنند.	خرمشاهی	۹
پس آن را سر بریدند و چیزی نمانده بود که نکنند.	فولادوند	۱۰

با توجه به چارچوب نظریه‌ای که ارائه دادیم ترجمه‌های تفسیری و وفادار هیچ‌کدام ترجمه کاملاً ترجمه‌های تحت‌اللفظی بیشتر متناقض بوده و درستی ارائه نداده‌اند.



نمودار ۳. نتیجه ترجمه آیه: (فَدَبَّحُوها وَ ما كادُوا يَفْعَلُونَ) (نور/۴۰)

بودن، منفی است و در صورت منفی بودن افاده اثبات می‌کند، نتیجه گرفته آنان می‌فهمند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸۶/۳). زمخشری هم معتقد است اینها می‌دانند ولیکن ظاهرشان را طور دیگری نشان می‌دهند؛ لذا قرآن می‌فرماید چرا نمی‌خواهند بفهمند. در واقع می‌فهمند چون اگر نفهمند، حجت الهی معنایی ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۳۸/۱). اما نظر ابن‌عاشور مطابق با نظر سامرایی و ابن‌عبیش است که حرف «لا» مختص فعل «يَفْقَهُونَ» و با مضمون مثبت است، همان‌طور که آیه ۷۱ سوره بقره بود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۹۴/۴). با این توضیحات، نظر اغلب مفسران مطابق آنچه ما در مفهوم این تئوری و در چارچوب نظری ارائه دادیم نیست.

ترجمه پیشنهادی: این قوم را چه شده است که (به ظاهر) نزدیک است سخنی را نفهمند.

۲. ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكِ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لَهُؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا﴾ (نساء/۷۸)

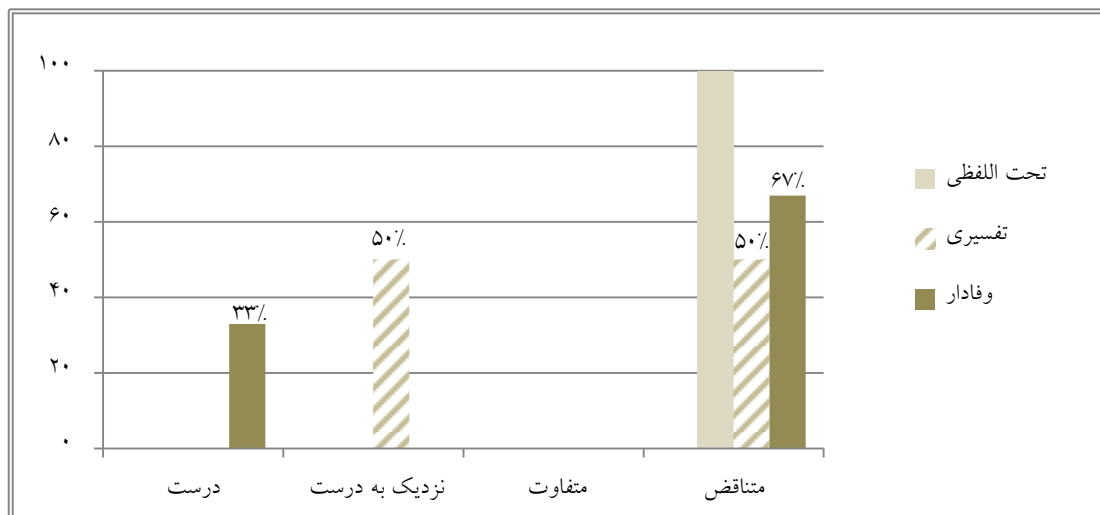
برخی مفسران اشاره‌ای به معنای «کاد»ی منفی نداشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸/۵؛ مغنیه، ۱۴۲۵: ۱۱۴). برخی دیگر نیز معتقدند اگر نفی بر «کاد» وارد شود، فقط مقاربه را نفی می‌کند و از نفی مقاربه، نفی مضمون حاصل می‌گردد؛ یعنی ترجمه آیه چنین می‌شود آنان نزدیک نبود که بفهمند، چون به واسطه کفر به قرآن، از مفهوم آن دور شده‌اند و نمی‌فهمند که هر سختی و گرفتاری و راحتی همه از جانب خداست (مدنی، ۱۳۸۴: ۲۲۴/۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۱/۳؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۲۶۴/۳). آلوسی نیز به نظر می‌رسد با این رویکرد که «کاد» در صورت مثبت

جدول ۴. بررسی ترجمه‌های آیه (فَمَا لَهُؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا) (نساء/۷۸)

ترجمه	مترجم	
چرا این طایفه نادان از فهم هر سخن دورند.	بروجردی	۱
پس چیست مر این گروه را که نزدیک نیست که بفهمند سخنی را.	شعرانی	۲
پس چه شود این گروه را نزدیک نیستند دریابند سخنی را.	معزی	۳
چرا این قوم (جاهل) از فهم هر سخن دورند؟!	قمشه ای	۴
پس اینکه جماعت را چه میشود که نمیتوانند حتی یک کلمه از کلام حق را بفهمند.	صفار زاده	۵
پس این مردم را چه شده که نزدیک است هیچ سخنی را دریابند.	صفوی	۶
پس این گروه را چیست که بر آن نیستند - نمی‌خواهند - که سخنی را دریابند.	مجتبوی	۷
چه بر سر این قوم آمده است که هیچ سخنی را نمی‌فهمند؟	آیتی	۸
این گروه را چه می‌شود که به نظر نمی‌رسد سخنی دریابند.	خرمشاهی	۹
[آخر] این قوم را چه شده است که نمی‌خواهند سخنی را [درست] دریابند؟	فولادوند	۱۰

نزدیک به درست، نیم دیگر آن متناقض، یک‌سوم ترجمه‌های وفادار درست است و بقیه متناقض می‌باشد.

با بررسی ترجمه‌ها می‌توان گفت ترجمه‌های تحت‌اللفظی متناقض هستند. نیمی از ترجمه‌های تفسیری



نمودار ۴. نتیجه ترجمه آیه (فَمَا لَهُمْ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا) (نساء/۷۸)

طوسی، ۱۴۰۹: ۸۹/۷). بعضی دیگر مانند مغنیه به آیه بعد (کهف/۹۴) اشاره داشته‌اند که اینها هیچ‌کدام زبان همدیگر را نمی‌فهمند ولیکن ذو القرنین به وسیله حرکت‌ها و اشاره‌ها و به کمک مترجم درخواست‌های آنها را می‌فهمد (مغنیه، ۱۴۲۵: ۳۹۳). در توضیح دیدگاه این مفسران باید گفت ترجمه منفی «يَفْقَهُونَ» (بنا بر آنچه در چارچوب نظریه این بررسی بیان شده) منافاتی با مفهوم آیه ندارد چرا که «لَا يَفْقَهُونَ» به معنای همواره نمی‌فهمند، نمی‌باشد؛ بلکه نفهمیدنی عامدانه در آن زمان (صحبت با ذوالقرنین) می‌باشد.

ترجمه پیشنهادی: گویی که آنان هیچ سخنی را (در آن زمان که تضاد با منافعیان باشد) نمی‌فهمند (نمی‌خواهند که بفهمند).

۳. «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا» (کهف/۹۳)

برخی از مفسران به معنای «کاد» ی منفی اشاره نداشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۶۳/۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۹/۸). طبرسی فعل دوم را منفی کرده و نتیجه را مثبت می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶۲/۶). زمخشری نیز طبق رویکرد دوم خود یعنی قُرب به همراه فرا نرسیدن زمان رُخداد، فعل «کاد» را منفی کرده ولی نتیجه را مثبت دانسته و بیان می‌دارد نزدیک نیست که بفهمند، مگر با تلاش و سختی (یعنی امکان فهم وجود دارد) (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۴۶/۲).

عده‌ای فعل دوم را منفی کرده و نتیجه را نیز منفی دانسته‌اند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳۱/۱۵؛

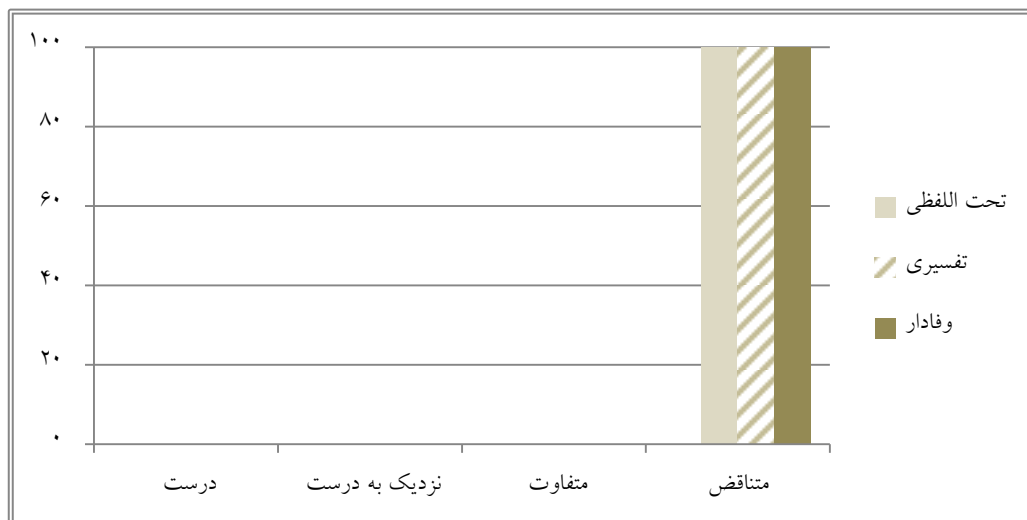
جدول ۵. بررسی ترجمه‌های آیه (لا یَکَادُونَ یَفْقَهُونَ قَوْلًا) (کهف/۹۳)

ترجمه	مترجم	
گفتار و سخن ایشان را نمی‌فهمیدند.	بروجردی	۱
نزدیک نبودند که بفهمند سخنی را.	شعرانی	۲
نیارند دریابند گفتاری را.	معزی	۳
سخنی فهم نمی‌کردند (و سخت وحشی و زبان‌نهم بودند).	قمش‌های	۴
هیچ سخنی را در نمی‌یافتند.	مجتبوی	۵
هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند.	صفار زاده	۶
به آسانی مفهوم هیچ سخنی را درک نمی‌کردند.	صفوی	۷
گویی هیچ سخنی را نمی‌فهمند.	آیتی	۸
زبان نمی‌فهمیدند.	خرمشاهی	۹
نمی‌توانستند هیچ زبانی را بفهمند.	فولادوند	۱۰

نظری ارائه دادیم، متناقض هستند.

همه ترجمه‌های تحت‌اللفظی، تفسیری و

ترجمه‌های وفادار بنا بر آنچه در چارچوب



نمودار ۵. نتیجه ترجمه آیه: (لا یَکَادُونَ یَفْقَهُونَ قَوْلًا) (کهف/۹۳)

اما هر یک از آنها مفهومی ارائه دادند. علامه طباطبایی با توجه به آیات ۲۸ و ۳۶ سوره «طه» مضمون آیه را مثبت دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸/۱۱۰).

۴. «أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ» (زخرف/۵۲)

برخی مفسران اشاره‌ای به معنای «کاد»ی منفی نکرده،

کرده و بیان می‌دارد موسی نمی‌تواند آنچه را که می‌خواهد فصیح و آشکار بیان کند (مغنیه، ۱۴۲۵: ۶۵۲). اما ابن‌عاشور طبق نظریه سامرایی و اکثریت نحوین، فعل بعد از «کاد» را همانند آیه ۷۱ سوره بقره لفظاً منفی کرده و در معنا، جمله را مثبت می‌داند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۷۰/۲۵).

ترجمه پیشنهادی: بلکه من از این کس که خوار و زبون است و نزدیک است که واضح سخن نگوید، بهترم.

آلوسی نیز بیان می‌دارد معنای «وَلَا يَكَادُ يُبِينُ» دلیل بر ناتوانی موسی در تکلم نیست؛ بلکه بهتان و دروغ نسبت به اوست (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸۹/۱۳؛ زمخشری ۱۴۰۷: ۲۵۸/۴) و شیخ طوسی از قول زجاج گفته موسی لکنت زبان داشته است (طوسی: ۱۴۰۹: ۲۰۷/۹). طبرسی فعل کاد را منفی کرده و بیان می‌دارد موسی نزدیک نبود کلامش را به دلیل لکنتی که در زبانش وجود داشت، درست بیان کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۸/۹). صاحب تفسیر المبین فعل بعد از کاد را منفی

جدول ۶. بررسی ترجمه‌های آیه (أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ) (زخرف/۵۲)

مترجم	ترجمه
۱ بروجردی	آیا من به ریاست و سلطنت بهترم یا چنین مرد خوار و فقیر که هیچ منطق و بیان روشنی ندارد.
۲ شعرانی	بلکه من بهترم از این کس که اوست خوار و نزدیک نیست که بیان تواند کرد.
۳ معزی	بلکه من بهترم از آنکه او است زبون و نیارد که گویا گردد.
۴ قمش‌های	بلکه من (به ریاست و سلطنت) بهترم تا چنین مرد فقیر خواری که هیچ منطق و بیان روشنی ندارد؟
۵ صفار زاده	آیا من از اینکه مرد که آدم مفلوکی است و لکنت زبان هم دارد برتر نیستم!
۶ صفوی	آیا موسی بهتر است یا من؟ آیا من از این کسی که بی‌مقدار است و نزدیک است که نتواند مقصود خود را بیان کند، بهتر نیستم؟
۷ مجتبوی	مگر نه من بهترم از این کس که خوار و زبون است و نمی‌تواند سخن را روشن بیان کند.
۸ آیتی	آیا من بهترم یا این مرد خوار ذلیل که درست سخن گفتن نتواند؟
۹ خرمشاهی	بلکه من بهترم از این کسی که بی‌مقدار است و نزدیک نیست که سخن واضح بگوید.
۱۰ فولادوند	آیا [نه] من از این کس که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهترم؟

ترجمه‌های تحت‌اللفظی و وفادار معنای درستی ارائه نکرده و ترجمه‌های تفسیری به نظر می‌رسد نزدیک به درست باشد.

با توجه به نظر آلوسی که درست به نظر می‌رسد «وَلَا يَكَادُ يُبِينُ» دلیل بر ناتوانی موسی در تکلم نبوده؛ بلکه بهتان و دروغ نسبت به اوست.



نمودار ۶. نتایج ترجمه آیه (أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَوَلَا يَكَادُ يُبِينُ) (زخرف/۵۲)

بحث و نتیجه گیری

آنچه از مطالب بیان شده حاصل شد آنکه:

۱. آیاتی که در آن «کاد» به شکل منفی وارد شده است به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) آیات تمثیلی. ب) آیات غیر تمثیلی (مواردی که مصداق حدوث واقعی در عالم خارج دارند)
۲. در «کاد»ی منفی برای تمثیل، دیدگاه زمخشری که رویکرد مبالغه در آن وجود دارد منطقی‌تر است، زیرا این دیدگاه، «کاد»ی منفی را برای نفی مقابله به دلیل مبالغه در عدم رخداد در نظر گرفته است.

۳. در «کاد»ی منفی برای غیر تمثیل (رخداد واقعی در عالم خارج)، دیدگاه سامرابی نسبت به سایر نظرات صحیح‌تر است؛ زیرا ایشان - به تبعیت از ابن‌عیش - قائل است حرف نفی

وارد بر «کاد» مختص فعل پس از «کاد» (خبر) است و این فعل را باید منفی با مضمون مثبت (اثبات خبر) تلقی کرد.

۴. لازم به ذکر است دیدگاه زمخشری در مورد آیات غیر تمثیل با رویکرد دوم خود (قرب به همراه فرانسیدن زمان رخداد) نیز می‌تواند صحیح باشد.

۵. این دیدگاه‌ها در تعدادی از ترجمه‌های تحت‌اللفظی، تفسیری و ترجمه‌های وفادار مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید اکثر این ترجمه‌ها نتوانستند ترجمه صحیح و دقیقی ارائه دهند. برخی مترجمین شکل منفی «کاد» را مانند فعل‌های منفی دیگر برای عدم انجام فعل دانسته، برخی قائل به اثبات رخداد فعل بوده و برخی نفی کاد را دلیل بر مبالغه در عدم رخداد فعل

- دانشتند.
۶. بسیاری از مترجمین در برداشت مفهومی «کاد» به شکل منفی، این نفی را عمدتاً شامل «کاد» دانسته، درحالی‌که این نفی بیشتر متوجه فعل بعد از «کاد» می‌باشد. برخی به دلیل اختصاص یافتن نفی بر خبر «کاد» مضمون خبر را نیز منفی کرده، برخی دیگر مضمون خبر را مثبت دانسته و درواقع فعل را لفظاً منفی، اما در معنا مثبت دانسته‌اند و قائل به اثبات فعل بعد از رنج و سختی شده‌اند.
- منابع
- قرآن کریم.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن عاشور. بيروت: التاريخ العربي.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الكتاب العلمية.
- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۷۷ش). ترجمه قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴ش). ترجمه قرآن مجید. تهران: سروش.
- بدیع یعقوب، امیل (۱۹۸۸م). موسوعة النحو و الصرف و الإعراب. بیروت: دار العلم للملایین.
- بروجردی، محمدجواد (۱۳۷۲)؛ ترجم قرآن. تهران: صدر.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷ش). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران: دوستان.
- زمخشری. محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق قوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجود اقوایل. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سامرای، فاضل صالح (۱۴۲۸ق). معانی النحو. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۴ش). ترجمه قرآن کریم. تهران: انتشارات اسلامیه.
- صفار زاده، طاهره (۱۳۸۰). ترجمه قرآن. تهران: سوره مهر.
- صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸ش). ترجمه قرآن. قم: آبنوس.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق) المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة العلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق) مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق) التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- فولادوند، مهدی (۱۳۷۳ش). ترجمه قرآن. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

- مجتبوی، سید جلال الدین (۱۳۷۲ش). *مجله مترجم (فصلنامه علمی فرهنگی)*. تهران: مترجم.
- مدنی، علی خان بن احمد (۱۳۸۴ش). *الطراز الأول. معجم لفظی - انتقادی*. مشهد: مؤسسه
- الإحياء التراث.
- معزی، محمدکاظم (۱۳۷۷). *ترجمه قرآن*. تهران: نور.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۵ق). *التفسير المبين*. قم: دار الكتاب الاسلامی.